فهرست

[موضوع: تفسیر ترتیبی/ سوره بقره 2](#_Toc197272542)

[پیشگفتار 2](#_Toc197272543)

[بررسی کلمه صلاة 2](#_Toc197272544)

[مقدمه اول 2](#_Toc197272545)

[مقدمه دوم 3](#_Toc197272546)

[نکاتی پیرامون نماز 4](#_Toc197272547)

[نکته اول: ترکیب و تعریف نماز 4](#_Toc197272548)

[مؤلفه اول: نیات 4](#_Toc197272549)

[مؤلفه دوم: احوال ظاهری و افعال 5](#_Toc197272550)

[مؤلفه سوم: اقوال 5](#_Toc197272551)

[مطلب سوم 6](#_Toc197272552)

[مطلب چهارم 6](#_Toc197272553)

[مطلب پنجم 8](#_Toc197272554)

[تقسیمات نماز 8](#_Toc197272555)

[مطلب ششم 8](#_Toc197272556)

[نکته مهم در باب نماز 9](#_Toc197272557)

[نکته تکمیلی 9](#_Toc197272558)

# موضوع: تفسیر ترتیبی/ سوره بقره

# پیشگفتار

در توصیف متقین پنج یا شش ویژگی در این آیات برشمرده شده است که ابتدا می‌شود با وصفی مربوط به اعتقاد و در پایان هم مباحث اعتقادی است و در میانه این ایمان به غیب و ایمان **﴿بِمَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ یُوقِنُونَ﴾** که سلسله مباحث اعتقادی است و تقریباً پایه‌های اصلی اعتقادات را بیان کرده است به دو وصف رفتاری و عملی از اوصاف متقین پرداخته شده است.

آن سه یا چهار وصف اعتقادی همان‌طور که اشاره شد همه اصول اعتقادی به آن شکلی که الان مطرح است را در برمی‌گیرد، یعنی علاوه بر توحید و معاد، مسئله نبوت را هم در برگرفته است یعنی **﴿یُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ﴾** بعد بالالتزام خواهیم گفت ایمان به نبوت را هم بیان می‌کند و اوصاف خدا هم طبعاً در **﴿یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ﴾** قرار می‌گیرد و آن که باقی می‌ماند آن هم به نحوی در غیب در آن معنای موسع می‌گنجد از یک جهت از جهت دیگر هم **﴿یُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ﴾** آن را می­گیرد.

این شامل آنچه ما الان جزء اعتقادات می‌شماریم می‌شود و فراتر از آن را هم در برمی‌گیرد، چون در **﴿یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ﴾** یک معنای موسعی بود که یک دایره وسیعی از مسائل را در برمی‌گرفت، **﴿یُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ﴾** هم یک معنای خیلی وسیعی دارد که فراتر از اصول اعتقادی که الان به کار می‌بریم شامل می‌شود. این را در بخش اعتقادیات و اوصاف از متقین باید مدنظر قرار گیرد و یک مقدار هم تکمیل خواهیم کرد.

اما در بخش عملی و رفتاری که اینجا ملاحظه می‌کنید از میان همه رفتارها دو رفتار را ذکر کرده است که **﴿یُقِیمُونَ الصَّلَاةَ و مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ﴾** در مورد **﴿یُقِیمُونَ الصَّلَاةَ﴾** یک بحثی در مورد یُقِیمُونَ داشتیم که هفته قبل ملاحظه کردید.

# بررسی کلمه صلاة

بحثی که آغاز می‌کنیم مربوط به صلاة است.

## مقدمه اول

در مقدمه باید به این موضوع توجه کرد که اسلام مثل سایر ادیان توحیدی و ادیان الهی از یک نظام عبادی برخوردار است با مباحث مفصلی که در بحث‌های نظام عبادی می‌شود مطرح کرد، خطبه‌هایی هم در نماز جمعه من مقداری به مباحث عبادت در اسلام پرداختم و یکی از خطبه‌های من نظام عبادی اسلامی بود. که در جای خود اهمیت دارد.

نظام عبادی اسلام، نظامی است که مشترکاتی با ادیان دیگر دارد و در عین حال ممیزات و مختصاتی دارد. این در جای خود باید توجه شود. آن روز هم در یکی از خطبه‌ها، هفت ویژگی از نظام عبادی اسلام را مورد اشاره قرار دادم، آنجا تفصیل ندادم ولی مقصودم این بود که هر یک از اینها نظام عبادی اسلام را از ادیان دیگر و احیاناً مذاهب دیگر جدا می‌کند. این یک بحث کلی است که الان به آن نمی‌خواهیم بپردازیم، گرچه به تدریج و به ترتیب، جابجا به ویژگی‌هایی از نظام عبادی اسلام به تناسب آیات خواهیم پرداخت.

دین به خصوص ادیان الهی و به ویژه ادیان ابراهیمی یک تأکیدی بر مقوله عبادت به معنای خاص دارد که همان تعبدیات به معنای فقهی است و این منظومه عبادی در این ادیان به ویژه در اسلام از یک مختصاتی برخوردار است که در هر یک از آن مختصات تمایزاتی با سایر ادیان پیدا می‌کند، طبعاً در مذاهب هم این‌طور است که در مذاهب به‌رغم مشترکات خیلی وسیع‌تر در عبادت میان مذاهب، عبادت در اندیشه اهل‌بیت یک مختصات خاص خود دارد شبیه آنچه در زیارات است.

به تدریج و تناسب به این بحث خواهیم پرداخت آنچه الان خواستم عرض کنم این است که منظومه عبادی اسلام یک منظومه منسجم، به‌هم‌پیوسته، دارای مشترکات با سایر ادیان و دارای مختصات و ممیزات برای خود هست.

## مقدمه دوم

این است که در این منظومه نماز یک جایگاه کاملاً برجسته‌ای دارد، وقتی به متن قرآن نگاه بکنیم از لحاظ کمی می‌بینیم که نماز جایگاه ممتازی دارد، به لحاظ کمیت آیاتی که به نماز پرداخته است در مقایسه با سایر عبادات، آن آیاتی که مستقیماً به مسئله نماز پرداخته است بالای هشتاد تا است قریب به صد آیه شاید باشد که با تعابیر و شکل‌های مختلف به مقوله نماز اشاره کرده است درحالی‌که سراغ بقیه عبادات به معنای خاص یعنی تعبدیات در قرآن برویم می‌بینیم حجم پرداختن به آن‌ها، کمتر است. اعم از زکات که بعد از نماز به آن پرداخته شده است ولی در درجه بعد است و مثل حج و خمس باز پایین‌تر است و جهاد نسبتاً بیشتر است.

با دقت نمی‌گویم شاید بتوان گفت اول نماز است، بعد زکات است و جهاد باشد، بعد روزه و حج و خمس و آیات دیگر تعداد معدودی دارد. به معنای آیاتی که مستقیم پرداخته است.

گاهی هم تعابیر عامی است که طبعاً شامل اینها هم می‌شود؛ **﴿اعْبُدُوا رَبَّکُمُ﴾** سوره بقره، آیه ۲۱، آن‌ها تعابیر عامه است.

پس در قرآن تعابیر خاص را که راجع به عبادات ملاحظه بکنیم از نظر کمیت طبقه‌بندی دارد که در صدر آن نماز قرار می‌گیرد، تعابیر عام را هم که در نظر بگیریم، طبعاً نماز مصداق ابرز آن‌ها هست و سایر عبادات را هم شامل می‌شود

تعابیر عامی که در قالب واژه عبادت، یا ذکر و دعا و امثال اینها است، آن‌ها طبعاً نماز را هم می‌گیرد تعابیر خاص هم که حجم آیات مربوط به نماز بیشتر است.

از لحاظ کیفیت هم وقتی به این آیات بپردازیم می‌بینیم که یک ویژگی‌ها و مختصات و مؤلفه‌هایی برای نماز ذکر کرده است که برای بقیه نیست. **﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾**[[1]](#footnote-1) و تعابیر متعددی است که نشان‌دهنده عظمت و اهمیت ویژه نماز است

از این رو در منظومه عبادات به معنای خاص و مناسک و آیین‌های به معنای خاص، نماز در قرآن و بعد به تبع آن در روایات از یک امتیازهای منحصر به فرد برخوردار هست. یعنی از اصول اعتقادی بگذریم و برسیم به مباحث احکام، آن هم در حوزه تعبدیات و عبادات این سلسله‌مراتب را در قرآن شاهدیم و نماز جایگاه اول را احراز می‌کند. این یک نکته که اهمیت نماز است.

# نکاتی پیرامون نماز

## نکته اول: ترکیب و تعریف نماز

در ترکیب و تعریف نماز همان‌طور که مستحضرید این‌طور گفته می‌شود مرکب است از نیات و افعال و احوال و اقوال و سه ضلع اصلی و سه مؤلفه در تعریف نماز وجود دارد و اینها مقومات نماز است و اینها به سه شاخه اصلی که گفتیم برمی‌گردد با توضیح کوتاهی که عرض می‌کنیم.

### مؤلفه اول: نیات

مؤلفه اول این حقیقت ترکیبی عبارت است از نیت و احوال درونی چه در حد الزامیات یا آن مکملات و رجحانیات در باب نیات.

#### عنصر اول

این اولین عنصر تشکیل‌دهنده نسبت به حقیقت نماز است. نماز از یک احوال درونی تشکیل می‌شود، همان‌طور که احوال درونی یک بخشی از آن مقدمات نماز است، یک بخشی مقومات است و یک بخش هم متممات است. پس احوال درونی در نماز دخالت دارند. این عنصر اول.

یک قسمتی از احوال مقدمات حالات نماز هست و آن عبارت است از ایمان و مسائلی که شخص را به سمت نماز سوق می‌دهد،

#### عنصر دوم

عنصر دوم از مؤلفه اول حالت درونی نیت است به عنوان یک فعل جوانحی، نیت و قصد قربت و قصد وجه و تمییز که دارد، آن که مسلم است قصد قربت که روح نماز است و نیت تقرب الی الله به عنوان حال درونی که این مقوم است و البته نیات یا احوال درونی دیگر هم که متممات این حالات جوانحی و درونی نسبت به نماز است؛ خضوع و خشوع و آن احوالی که برای مصلی رخ می‌دهد و مورد ترغیب قرار گرفته است و یک حالات درونی ذو درجات و مشکک است.

پس پایه و عنصر اول احوال درونی و افعال جوانحی است که مقوم قاطع آن تقرب است منتهی این تقرب یک احوال درونی دارد که مقدمه اصول آن است و یک احوال تکوینی دارد که به صورت خضوع و خشوع و امثال اینها تعبیر می‌شود

### مؤلفه دوم: احوال ظاهری و افعال

مقابل اقوال گرچه اقوال هم به یک معنا به افعال برمی‌گردد ولی اینجا مقصود وقتی می‌گوییم مؤلفه دوم احوال یا افعال است مقابل اقوال و مقابل آن امور جوانحی است.

این هم مؤلفه دوم است که نقش مهمی دارد که قیام و قعود و رکوع و سجود است که در اینجا باید به این توجه داشته باشیم

یک مطلب این است که این افعال به معنای مقابل افعال جوانحی و اقوال است،

نکته دوم این است که این افعال شامل تروک هم می‌شود برای اینکه آن هیئت حاصله از افعال در آن هم رفتارهای ایجابی است و هم ترک‌هایی در آن مأخوذ است، باید چیزهایی را ترک کرد.

نکته سوم: اینکه در این احوال جوانحی مقابل امور قلبی و امور زبانی، باید توجه داشته باشیم که آنچه مقوم نماز است ترکیبی از اینها است. با چینش خاص و هیئت حاصله از آن است.

یعنی در واقع حصول آن اغراض ضمن اینکه این قیام و قعود و رکوع و سجود که پنج شش فعل جوانحی اصلی است، علاوه بر اینکه هر کدام از اینها نقشی در حصول آن نتایج دارد، این چینش و ترکیب که موجب هیئت حاصله‌ای می‌شود هم نقش دارد.

### مؤلفه سوم: اقوال

که در این اقوال هم باید توجه داشت که گفتارهای صادر از لسان، مرکب است از (مهم‌ترین اینها هست) قرآن است، بخش‌هایی قرآن، بخش‌هایی دعا و بخش‌هایی ذکر است.

اجمال مسئله این است که نماز مرکب است از؛

۱- نیت و احوال جوانحی درونی

۲- افعال و تروک

۳- اقوال و گفتارهای مرکب از قرآن و ذکر و دعا

این تعریف نماز در حال عادی است منتهی تکمیل نکاتی که مربوط به تعریف است باید این امور را انجام داد؛

۱- اینکه در هر یک از اینها مخصوصاً در اقوال و احوال، خود چینش و هیئت حاصله دخالت دارد، حساب و کتاب دارد.

۲- اینکه این ترکیب و هیئت حاصله در هر یک از این احوال و اقوال است و یک ترکیب مجموعی که در کل اینها هست، خود ارتباط احوال و اقوال و چینش اینها و هیئت حاصله از ترکیب این دو مؤلفه مسئله‌ای است که دخالت دارد.

۳- اینکه طبعاً همان ترکیبی که حاصل است که در یک رکعت در حال اختیار محقق می‌شود گاهی در آن تکرار هم هست، یعنی دو رکعت یا سه رکعت می‌شود که یک هیئت ترکیبی از تکرار در این اقوال و احوال وجود دارد.

۴- این تعریف را که تبیین کردیم باید تعریف آن نماز اختیاری دانست و الا نماز احوال اضطراری دارد که اگر بخواهیم آن تعریف جامع اضطراری را بگوییم احتمالاً باید بگوییم نیةٌ و فعلٌ حتی ممکن است قول هم نباشد که آن عزم و اراده درونی است که در یک رفتاری ولو با یک تکان دادن ابرو حاصل می‌شود این معنای جامع جامع می‌شود منتهی در یک هیئت کامل همان تعریف با آن اضلاعی که اشاره شد.

احوالی که اینجا می‌گویم حال درونی مقصود است منتهی حال درونی به معنای عام مقصود ما هست که عنصر اصلی آن نیت و انگیزه است منتهی به دلیل اینکه مقدماتی دارد که ایمان است آن هم احوال درونی است، یک مکملات هم دارد؛ که آن خضوع و خشوع و حالات ویژه‌ای که برای برخی در برخی مراتب نماز حاصل می‌شود تعبیر احوال کردیم.

در مهجة و احیاء العلوم غزالی آمده است؛ حالٌ و فعلٌ و قول، این تعبیری است که در کتب اخلاقی تکرار می‌شود، این هم یک قاعده کلی است، منتهی اوج این ترکیب حالٌ و قول و فعلً در نماز است در جای دیگر به این شکل نیست. در نماز عادی و متعارف اوج هیئت ترکیبیه‌ای است که از حالٌ و فعل و قولٌ تشکیل می‌شود با تنظیماتی که دارد.

مثلاً در توبه که می‌گویند حالٌ و فعلٌ و قولٌ معلوم نیست همه اینها دقیقاً در مقومات توبه باشد ولی به نحو یک توبه کامل مرکب از آن‌ها است ولی در نماز در حال عادی و طبیعی نماز مرکب از اینها است و هیئت ترکیبیه حاصله از حال و فعل و قول است به عنوان قله عبادات در اسلام.

# مطلب سوم

این که نماز آیا با همین تعریفی که اشاره شد، فقط در اسلام است یا در ادیان سابق به ویژه در ادیان ابراهیمی سابقه دارد، این محل بحث هست ولی ظاهر آیات قرآن و بعضی روایات این است که کلی مسئله، یعنی حالٌ و فعلٌ و قولٌ در مقام عبودیت اظهار کرنش در پیشگاه خداوند، این هم در ادیان قبل هم بوده است اما نه به این ترکیبی که از اینجا شروع می‌شود و به آنجا ختم می‌شود. این تعریف حالٌ و فعلٌ و قولٌ ظاهراً بوده است و به شکلی رکوع و سجود هم در آن بوده است، اما تفاصیل آن فرق کرده است.

یکی از شواهد این مسئله این است که همین واژه صلاة که حقیقت شرعیه در قرآن دارد در قرآن یک معنای جدیدی پیدا کرده است، همین واژه در ارتباط با ادیان قبل هم به کار رفته است. این یکی از شواهد آن است.

# مطلب چهارم

این است که ظاهراً صلاة به معنای دعا در قرآن به کار رفته است، **﴿إِنَّ صَلَاتَکَ سَکَنٌ لَهُمْ﴾**[[2]](#footnote-2)، **﴿کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ﴾**[[3]](#footnote-3)، این معنای دعا، به معنای کلی به کار رفته است و همین‌طور کاربرد دوم، دعای خاص است که **﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ﴾**[[4]](#footnote-4) دعای خاصی هم به کار می‌رود که صیغه آن صل است که شاید معنای اخصی از مطلق دعا داشته باشد. به آن شکلی که در نماز میت است، آنجا گفته شده است نماز نیست، به معنای اصطلاحی، یک دعای خاص است ولی کاربرد اصلی آن، در همین معنای ویژه شرعیه‌ای است که آیات ظهور در آن دارد.

بحث حقیقت شرعیه و متشرعه که در اصول ملاحظه کردید، اصل مسئله در آنجا را ملاحظه می‌کنید که معمولاً هم حقیقت شرعیه به آن معنا قبول ندارند به طور خیلی عام، ولی واقع مسئله این است که در بحث حقیقت شرعیه یک حکم کلی در اصول نمی‌شود صادر کرد یک حالت تفصیل و تفاوت و تمایز واژگان است، به نظر می‌آید واژه صلاة در قرآن حتماً در ادبیات قرآنی حتماً در معنای جدیدی که مدنظر اسلام بوده است به کار رفته است و از همان اوایل پیامبر بزرگوار صلوات الله و سلامه علیه نماز را اقامه می‌کردند، حتی به جماعت، به همین معنای حالٌ و فعلٌ و قولٌ خاص، با این هیئت ترکیبیه. ممکن است در طول آن دوره در بعضی از جزئیات دچار تغییری در تشریع شده باشند ولی اصل آن وجود داشته است و اینجا آن حقیقت شرعیه در عهد رسول‌خدا شکل گرفته است، یعنی معنای جدیدی شکل گرفته است که مجاز نیست، معنایی حقیقی است.

کسی که منظومه قرآن را ببیند دیگر تبادر او معنای حالٌ و فعلٌ و قولٌ خاص است. این مدعا است. منتهی این است که متبادَر این است به عنوان معنای جدیدی متولد شده.

چهار پنج جا در قرآن به معنای دعای کلی به کار رفته است، صَلِّ عَلَیْهِمْ إِنَّ صَلَاتَکَ سَکَنٌ لَهُمْ ظاهرا این نماز به آن معنا نیست یا **﴿کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ﴾**، **﴿إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ﴾** و امثال اینها، حدود هفت جا این را دارد، ولی تا هشتاد نود استعمال را که ببینیم می‌بینیم آن است.

قاعده این است که در قرآن می‌گوییم این حقیقت شرعیه متولد شده است، شاید یک سال، دو سال این آیات که می‌آمد با قرین به کار می‌رفت. ولی قاعدتاً بعد از چند سال که حجمی از چهل پنجاه مورد از استعمال صلاة به کار رفته است موجب تولد یک معنای جدید می‌شود ولی در واژگان دیگر معلوم نیست این‌طور باشد، بعضی از واژه‌ها، برای اینکه تبدیل به معنای حقیقی بشود در سنت می‌آید و شکل می‌گیرد و معنای جدید تولد پیدا می‌کند و بعضی هم ممکن است برای بعد بیاید و جزو مصطلحات متشرعه بشود و بعضی هم مصطلحات فقهی خاص علمی می‌شود.

ما در بحث حقیقت شرعیه قائل به تفصیلی هستیم بین واژه‌ها، در صلاة قائل به وضع تعینی هستیم در همان سال‌های نخست اسلام می‌گوییم معنای جدید پیدا کرده است.

به خصوص این روی این فرض است که بگوییم این برای عصر جدید است.

اگر گفتیم این در کاربرد لسان تورات و انجیل، صلاة به این معنا بوده است، آن وقت فرق می‌کند، باید دقت بیشتری بشود و ترجمه‌های آن و متون سابق بر اسلام مدنظر قرار بگیرد که در این قسمت کار بیشتری لازم است.

این سه چهار نکات اساسی بود

نکات دیگری هم عرض می‌کنم

# مطلب پنجم

در باب نماز تقسیمات متنوع در این عبادت است؛ تقریباً در این جهت صلاة و نماز با سایر عبادات و تعبدیات متفاوت است از جهت تنوع تقسیمات و دایره تقسیمات و تنویعاتی که در باب نماز است. تنویعات روشن است.

## تقسیمات نماز

تقسیم به احکام خمسه که عمده تقسیم به واجب و مستحب است، گرچه در مواردی با یک عناوین خاص آن احکام دیگر هم پیدا می‌کند.

تقسیم به موقت و غیرموقت در موقت هم یومیه و لیلیه

تقسیم به قصر و تمام

تقسیم به جماعت و فرادا

تقسیم به قادر و عاجز آن هم در مراتب و درجاتی که دارد.

حدود ده تقسیم در نماز وجود دارد که این تنوع و تقسیمات با ریزه‌کاری‌ها در عبادات دیگر نیست و در نماز دامنه وسیعی دارد. انواع و اقسام نمازها چه از لحاظ احوال، چه از لحاظ افعال و چه از لحاظ اقوال، یعنی آن سه مؤلفه را که در نظر بگیریم که موجب حصول یک هیئت ترکیبیه می‌شود در هر یک از آن‌ها یک تنوعی وجود دارد.

همین‌طور در امور عارضی مربوط به نماز تنوعات و تقسیم‌های زیادی وجود دارد که روشن است.

# مطلب ششم

این است که علاوه بر این تنوعات و تقسیماتی که در باب نماز به طور وسیع‌تر به چشم می‌خورد، از منظر فقهی هم نماز دارای احکام فوق‌العاده بیشتر از سایر عبادات و حتی غیر عبادات شاید باشد.

تا آنجا که تا هزارتا و دو هزارتا حکم واجب و مستحب ذکر شده است و حتی در بعضی کلمات تا دو هزار ذکر شده است. از حکمی که مربوط به نماز در شریعت و در کتاب و سنت وجود دارد و حتی بعضی از احکام آن در خود قرآن هم هست. جزئیات از احکامی که در سایر عبادات و یا معاملات به این شکل در قرآن نیست حداقل در عبادات نیست

این هم حجم وسیع احکام است، همه این نکات نشان‌دهنده عظمت و کانونی بودن نماز در عبادات و در نظام عبادی اسلامی است

# نکته مهم در باب نماز

ظاهر و باطن نماز که امر بسیار مهمی است و این موجب شده است احکام و آداب به عنوان ظاهر نماز مطرح باشد و اسرار به عنوان باطن نماز مطرح بشود و به یک شکلی شبیه قرآن گفته می‌شود که نماز به طور ویژه در عبادات دیگر کم و بیش هست اما در نماز با غیر از این ظاهر که با احکام تأمین می‌شود باطنی در آن وجود دارد و بطونی در آن هست و مراحل سیر و سلوکی در باطن نماز هست که بی‌نهایت می‌تواند باشد مثل بطون قرآن.

آن هم بطون سوره حمد یا سوره یا آن بخش‌های قرآنی، بطون این ترکیب،

این هم یک بحثی است که بر اساس این هم در روایات و حِکَم نماز، به اسرار نماز پرداخته شده است و هم در نوشتارهای علما کتب اسرار الصلاة حتماً بالای صد کتاب هست که به عنوان اسرار نماز، مبتنی بر آنچه در قرآن پایه‌ریزی شده است و در روایات بسط پیدا کرده است، توسعه پیدا کرده است نگاه به بواطن نماز که به عنوان اسرار نماز است و به ویژه در علم اخلاق و بالاخص در عرفان می‌آید که به این مقوله به طور وسیع پرداخته شده است.

# نکته تکمیلی

همین‌جا باید این را مدنظر قرار داد که این ترکیب در رازها و اسرار چه دخالتی دارد؟

آنچه مسلم است این اجزاء و این ترکیب رازهایی دارد، اما سؤالی که به عنوان نکته مکمل نکته قبلی هست این است که این رازها یک امور قراردادی است که این ترکیب موجب می‌شود یک احوالی در آدم شکل بگیرد؟ یا اینکه مقداری قوی‌تر از روابط عادی و متعارف است؟

در اینها یک اسرار واقعی وجود دارد و این ترکیب خود آثاری دارد، آثار عمیقی در روح و روان و هم آثار ماندگار که از بعضی از روایات و به خصوص از نگاه عرفانی و علوم غریبه استفاده می‌شود که این ترکیب یک رابطه ویژه‌ای دارد هم با تولید یک روانشناسی خاص و احوال درونی و هم چیزی فراتر از این احوال درونی که در تور روانشناسی و مداقه‌های ظاهری ما برمی‌آید،

در واقع یک جوری جزء علوم غربیه است. گفته می‌شود علم حروف یک واقعیاتی دارد که حتماً هم دارد، البته ادعا و گزاف هم در این علوم غریبه زیاد است و به این سادگی نباید چیزی را از کسی پذیرفت. ولی غیر از این معادلاتی که در علوم ریاضی و طبیعی و امثال اینها هست که یک روابط مادی و متعارف را تبیین می‌کند یک علومی غیر از این وجود دارد و غیر از علوم اسلامی به معنای عادی و امثال اینها، غیر از این‌ها یک علوم غریبه وجود دارد که یک مناسبات فوق چیزهای عادی را بیان می‌کند، مثلاً طلسمات این‌طور است، علوم حروف این‌طور است و داستان‌ها اینجا وجود دارد.

ممکن است کسی بگوید این هیئت ترکیبیه‌ای که از احوال و افعال و اقوال تشکیل می‌شود، هیئت ترکیبیه حاصله از اینها، دارای رموزی است که در مقوله علوم غریبه و امثال اینها قرار می‌گیرد. این هم ممکن است و بعید نیست و قابل توجه هست، شاید برخی از اسرار به این بخش‌ها برگردد.

به دون تردید می‌دانیم که این چینش و تنظیمات و تشریفات حتماً یک فلسفه و حکمتی دارد، منتهی این فلسفه و حکمت در حد چینش‌های عادی و متعارفی است که می‌گوییم یا این چینش یک اعماقی دارد؟ و اسرار نهانی دارد که مدنظر بوده است یا اینکه بالعرض مدنظر بوده است؟ بالذات مدنظر بوده است یا بالعرض؟

ممکن است اسراری یا ویژگی‌هایی در ترکیبات عبادات یا ترکیبات غیرعبادی در شریعت وارد می‌شود وجود داشته باشد که اگر بگوییم اینها وجود دارد می‌تواند مقصود بالذات باشد، ممکن است مقصود بالعرض باشد یا مقصود بالذات یا بالتبع یا بالعرض، هر سه نوع معقول است. منتهی تفصیل‌های اینها باید شواهدی در روایات پیدا کرد، جای خود.

این هم یک مجموعه بحث راجع به ظاهر و باطن و درجات باطنی نماز.

اینها مستند به غالباً روایات است، حکمت‌ها را که بیان می‌کند نشان می‌دهد که غیر از این ظاهر چیزی پشت صحنه هست اما تفاصیل را اینجا به عنوان احتمالات مطرح می‌کنیم و خیلی قاطع نیستیم، ولی فی‌الجمله را قاطع هستیم، شواهد فراوانی در روایات هست.

نکات دیگری هم می‌شود آورد که یکی به تقسیمات هم ربط دارد ولی فراتر از آن هست؛ نماز تکوینی و تشریعی

یعنی بگوییم نماز به همین معنای خاص ممکن است تقسیم به تکوینی و تشریعی می‌شود یا به عبارت دیگر بگوییم نماز به عنوان حالٌ و فعلٌ و قولٌ در موجودات هم هست این مربوط می‌شود به آن بحثی که آیا اینها در موجودات عالم طبیعت این عبادات به این معانی هست، یا خیر؟ اگر باشد می‌شود عبادت به معنای خاص ولی تکوینی، اگر باشد که مقدماتی دارد و محل اختلاف است و بقیه نماز تشریعی می‌شود.

تسبیح و سجود، در قرآن سجده هست، صَلَاتَهُ بنابراین معنا است که بگوییم صلاة اینجا به معنای لغوی نیست، کُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ بعضی می‌گویند صلاتَه یعنی دعا، بعضی می‌گویند صلاة به معنای خاص است اگر آن باشد هم در قرآن و هم در روایات وجود دارد. این هم یک موضوع است که محل بحث است.

1. - سوره عنکبوت، آیه 45 [↑](#footnote-ref-1)
2. - سوره توبه، آیه ۱۰۳ [↑](#footnote-ref-2)
3. - سوره نور، آیه ۴۱ [↑](#footnote-ref-3)
4. - سوره احزاب، آیه ۵۶ [↑](#footnote-ref-4)